



۲۰۱۵/۰۸/۲۶

صلاح الدین «سعید افغانی»

ما و ادامه شرارت‌های پاکستان (قسمت سوم و آخری)

مواضع و راه‌های حل:

قاطبیه ملت ما مسلمان اند و الله تعالی بنده‌های نیکو خویش را بیشتر می‌آزماید. بر ماست تا بدون ناامیدی ادای رسالت نموده و به صورت دوامدار در راه حق، وطن و مردم و تحقق اهداف راستین و عالی اسلامی خویش کار نموده و به پیروزی حق بر باطل ایمان داشته باشیم.

تجارب گذشته وضع را به صورت دقیق درک، و در تلاش پیگیر با شناخت درست از وضع متحد و متفق با اولویت دادن مصالح و منافع علیای کشور که امر صلح و رفاه مردم در مقدم آن قرار دارد. بر ضرورت کار مشترک تمام نیروهای ملی و وطنی تأکید دوامدار مانند ضرورت و امر درست تأکید صورت گیرد.

ادامه سیاست مصالحه سیاسی به مفهوم درست کلمه که در آن سخن اصلی را ملت داشته باشد و منجر به ملت سالاری شود یکی از وسایل اساسی رسیدن به صلح و رفاه مردم ما میباشد. دقیقاً باید کاری کرد که افغان نباید وسیله در دست دشمن باقی بماند و متخلف از قواعد بازی از ملت تجرید و به مانند ماهی بیرون از آب در صورت ادامه لجابت به صورت طبیعی به سزای اعمال خویش رسیده و نابود شود.

جاسوس، خادم و خائین را باید با مواضع و موقف گیری‌های آن در مسایل کشور و جامعه شناخت، عمل کرد این افراد و اشخاص را باید شناخت و در برابر مطابق قول و عمل آن مواضع داشت.

در زنده قهرمان و خدمتگار دایمی وجود ندارد. ما هر روز با مواضع سیاسی و عمل کرد‌های خویش باید موقف خویش را ثابت و ادای رسالت کنیم.

مردم بس حساس و هوشیار اند و اگرخانه ما را سوختاندن اقلماً دیوارهای آن پخته شد و مردم درک میکنند که کی در کدام مورد چه موضع وطنی و یا خائینانه دارد که به اساس آن مردم درمورد خائین، بودن و خادم بودن و یا جاسوس بودن شخص قضاوت و موضع خواهند گرفت. سایر اتهامات بدون سند موجب ورشکستگی و خدت خود ما خواهد شد.

به این ترتیب خائین و خادم بودن هویت قومی، سمتی، رنگی و نژادی ندارد.

اسناد دیگر درین مورد را باید مراجع امنیتی و کشفی کشور فراهم و تثبت نموده و به مراجع باصلاحیت قانونی جهت نهایی سازی تقدیم خواهند کرد. درین مورد افراط و تفریط سخت مضر بوده و به نفع ما نیست.

ضرورت جدی اصلاح نظام اداری است. در نظام موجود ساختارهای فساد ساز دولتی و اداری به صورت صریح وجود دارند که باید و باید اصلاح شده و از وسایل تخنیک مدرن در این مورد استفاده صورت گیرد.

تقویت ارگانهای امنیتی و کشفی دولت باید به صورت حتمی صورت گرفته و عوض دیکتاتوری افراد باید دیکتاتوری قانون و فعال بودن نظام مطرح بوده و عملی شود. بر قانونیت درین ارگانها و اینکه در امرتصمیم اداری در صورت مخالفت باید سخن اصیل و نهایی را محاکم داشته باشد. یکی از روش‌های بس مهم سازنده این است که باید برای اصلاح نظام کار کرد.

تسلط مسلکی و فهم لازم از کار بر اتوریتة کارمند دولتی در پهلوی تقوی سیاسی بس مهم است. بلند بردن سطح مسلکی و به کار گیری تخنیک مدرن و ایجاد میکائیز مردم استخدام انسانهای متعهد و وفادار به وطن و قانون بس مهم و باید برای آن میکائیزهای تجربه شده در جوامع مستقر بکار گرفته شود.

هر نوع افراط و تفریط مشکل را مانند مرض مزمن به حالت خطرناک مبدل میسازد. بلی تقوی سیاسی مهم اما فهم مسلکی نیز غیر قابل تعویض است. تقسیم کرسی‌های دولتی به کرسی‌های سیاسی و مسلکی اصل بسیار مهم در دیموکراسی امروز است.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در مورد خط دیورند «دیورندلاین»: این خط روی کاغذ به صورت تحمیلی از جانب انگلیس وقت و سر تیمار دیورند وزیر خارجه انگلیس برای هند برتانوی و امیر عبدالرحمن خان در دسمبر سال ۱۸۹۳م مانند تداوم تفاهمنامه گروی خط (لیزنگ) گندمک بین جانب انگلیسی و امیر عبدالرحمن خان نشانی شد. حضور نظامی انگلیس در هرات و مناطق شرقی کشور همراه با سفر سر تیمار دیورند به کابل، سند تفاهم نامه صرف توسط جانب انگلیسی و به زبان انگلیسی تهیه و برای امضاء به کشور و جانب افغانی که استقلال سیاسی نداشت تحمیل شده و در واقعیت عملاً در محتوی اعلام یکجانبه بوده است. سر تیمار دیورند برای امیر افغان بازگشته از یازده سال تبعید و آگاهی از سرنوشت تراژیک امیر شیر علی خان و امیر دوست محمد، ابلاغ کرد یا این سند را امضاء و یا پسران کاکایش که مدعی تخت و تاج نیز اند حاضر به امضاء اند و قیامهای علیه امیر هم آغاز خواهد شد، به اساس این سند کمیسیون در نظر گرفته شد که برای نشانی کردن خط در روی زمین برای مدت سه سال (۱۸۹۳-۱۸۹۷م) باید کار میکرد و این قرار اظهارات امیر تاکتیک به تعویق انداختن عملی این تحمیل بود، توظیف شد که این کمیسیون کار خویش را تا آخر تمام نه کرد، امیر حداقل در دو سه مورد اعتراض داشت که این همان نقشه ای نیست که برای امیر از جانب سر تیمار دیورند نشان داده شده بود. قیام های متواتر مردم پشتون و بلوچ در اعتراض به این توافقنامه با تشدد خونین جانب پاکستان از قیام بنو و کربلای بابره آغاز شده و تا حال بحالت مختلف ادامه دارند.

در این توافقنامه در واقعیت صرف ساحة نفوذ انگلیسی روشن شده بود که در آن طرف خط جانب انگلیسی مالیات این مناطق را باید جانب انگلیسی جمع آوری و مقدار بیشتر از تفاهم نامه لیزنگ گندمک، به جانب افغانی سالانه تحویل میداد. همچنان توافق شده بود که اگر جانب افغانی میخواست در این مناطق عملیات نظامی کند میتواند صرف جانب انگلیسی را قبلاً در جریان قرار دهد و بلاخره جانب افغانی میتواند از طریق این سر زمین ها اسلحه خریداری شده را به افغانستان داخل سازد.

سر تیمار دیورند در نوشته های خویش بعد از بازگشت از افغانستان به انگلستان هیچگاه از سرزمین های طرف شرقی خط فرضی دیورند بنام جز هند برتانوی نه نوشته و یاد نکرده است. این و ده ها مطلب، توجیه و منطق دیگر حقوقی که همه و همه گواه مشخص این است که این موافقتنامه بنا بر تهدید و فشار و بناء بر نشانی نشدن خط در محلات و به این ترتیب بنا بر مجهول بودن و روشن نبودن محتوی و بنابر اینکه ادامه لیزنگ گندمک بود از همان ابتدا باطل و قابل اعتبار از همان نقطه صفری نیست که برای این حالت فاسخ بودن در نقطه صفری اصطلاح حقوقی (void) بکار میرود.

اگر برای یک لحظه قابل اعتبار بودن و غیر فاسخ بودن این تفاهم نامه و سند اولی را قبول کنیم باید اضافه کنیم که بنابر عدم مراعات مواد بس اساسی این تفاهم نامه، مجهول بودن محتوی از همان زمان تخلف و عدم واضح شدن بخش مجهول بنابر عدم تکمیل کار کمیسیون نشانی کننده خط فرضی روی زمین و بنابر بر اعتراض جانب افغانی مبنی بر اصلیت نبودن نقشه ضمیمه توافق شده با امیر و تخلف صریح از مندرجات از طرف مقابل سبب فسخ بعدی شده که این حالت را در حقوق (voidable) مینامند.

اینکه به صورت معمول در مسایل مشابه موافقتنامه های وقت انگلیس برای ۹۹ سال بوده و اینکه این تفاهمنامه با سه تفاهمنامه دیگر از جانب شورای هفتم افغانستان نه تنها که راتیفکیشن و تصویب نه شده بلکه ملغی هم اعلام شده، از لحاظ حقوق نقطه و مرحله ختم نهایی و آخرین میخ بر تابوت این تفاهمنامه پنداشته میشود. از لحاظ حقوقی بناء بر باطل باطل است. اگر بعضی از شاهان و حکمای بعدی افغانی در زمینه سکوت و یا از کنار آن گذشته اند چون سند از اصل باطل است لذا بنای باطل بر باطل از لحاظ حقوقی باطل است.

تمام این حقایق و مستندات حقوقی، منطقی و علمی در مطابقت به قوانین بین المللی ملغی بودن و فسخ بودن این تفاهمنامه را ثابت میسازد. و بالاخره سند در مراجع بین المللی ثبت نه شده و در صورت خروج انگلیس از منطقه مطابق اصول و قواعد قبول شده باید سرزمین واپس به گرو گرفته شده باید واپس به مالک اصلی باز گشتانده میشد.

و بالاخره در تقسیم سال ۱۹۴۷ هند باید همان مناطق در تقسیم هند شامل میبود و میشد که در داخل خط اداری هند بود در حالیکه در آن وقت در خط اداری هند صرف پیشاور و قسمت از دیره جات شامل بود. این مناطق هم صرف به اساس تفاهمنامی گندمک که توسط یعقوب خان شخصی با حالت روانی غیر نورمال و دیوانه رها شده از هشت سال زندان صورت گرفته بود.

این و حقایق زیادی دیگر را پاکستان و جهان میداند و جهان میداند که ویتنام، المان، هانگانگ و... با هم یکی شدند و افغانستان هم باید با این تقسیم تصنعی و غیر واقعی خلاف تمام نورمهای جهانی و انسانی را پایان دهد. ما در قرن ۲۱ باید با از بین بردن سرحدات متمرکز شده و در روابط انسانها نزدیکی بیآوریم و موانع را از بین ببریم. همانگونه که فرانسه و جرمنی بعد از جنگ دوم جهانی نزدیک شده و سرحدات خویش را از بین بردند باید کار مشترک نزدیک ساختن ملتها کرد. به یقین چنانچه پاکستان فریب میدهد امنیت به این مسأله ارتباط ندارد. تروریست های اکثرأ دست خالی وارد شده و اسلحه را یا در مقابل پول و یا از طروق دیگر قبلاً در محلات عملیات خویش توسط گروپ های دیگر و یا ستون پنجم دشمن تهیه میکنند. دقیقاً ایجاد موانع در حدود چیزی کم سه هزار کیلو متر خط فعلی بین افغانستان و پاکستان ناممکن و ارتباط آن به مسأله امنیت فریب بیش پاکستانی نیست.

بلی اصلاً ممکن نیست و ارتباط این مسأله به امنیت نیست که سرحدات و موانع جدید ایجاد کنیم. علت اصلی در پهلوی عوامل دیگر اصلی و فرعی همانا مداخلات و ادامه شرارت پاکستان است که از جهان و مردم بی گناه ما باج میگیرند. مسلم این است که با علت مکاره گی و ظلم پاکستان به این داعیه بر حق افغانستان و حق مردم پشتون و بلوچ رسیده گی لازم و کامل صورت نه گرفت و این تراژیدی ملت ما ادامه دارد.

پاکستان درین مورد با استفاده از افکار قومی و سمتی و فتنه های منحنط قوی بخش از افراد مزدور و معذور را با گذشت ساده درین مسایل و ادار نموده و عده هم ساده لوحانه تحت تأثیر اندیشه های منحنط قومی از عظمت و امکانات کشور خویش گذشته و برای برپادی کشور خویش مصروف کارند.

افکار بدست آوردن دهلیز تجارتي و ريفراندم از همان فتنه های اند که پاکستان بخاطر آن کار و برای فتنه های بعدی آماده میسازد. تمام شواهد نشان میدهد که زمینه سازی ها سوق اذهان مردم برای ایجاد فتنه و دشمنی بین لر او بر به صورت وسیع روی دست استخبارات پاکستانی و دشمن است. اشکال مختلف آنرا همه روزه در میدیا و مطبوعات و فیسبوک ملاحظه میکنیم. تروریست ها وارد کابل شده و بر پارلمان کشور ما حمله کرده و جنایت میکنند در صورت دفاع از کشور و امنیت ارگانهای امنیتی ما عده در فیسبوک ظاهر شده و به زبان پشتو حق به جانب جانب با بسم الله و الحمد لله آغاز کرده و جانب افغانی را بخاطر دفاع از نوامیس ملی خویش توهین و تحقیر ضد اسلامی و ضد افغانی و ضد انسانی میکنند. این افراد ای اس ای و گماشته های شان استدلال دارند که گویا کارگران پاکستان را افغانها کشته اند و... آیا کار خادم و کسبه کار که دوست خدا است و با ابله کف دست روزی حلال کسب میکند و به اولاد نفقه می آورد کسی کشته است و یا تروریست، سلاح به دست، حمله کننده و انفجار دهنده انسانهای بی گناه؟ آیا دفاع از ترور و تروریست گاهی هم اسلام و اسلامیت است؟ به صورت یقینی نه.

ما در حالیکه میگوییم لر او بر یکی است، کسی میتواند به انسانهای بی گناه و عین قربانیان ترور حاکمیت پاکستان چي در افغانستان و چه در تاکستان امروزی زندگی میکند، دشنام بدهد. مسلم که نه. مردم بی گناه پاکستان امروز و مردم ما قربانی دسایس و جنایات نظامیان پاکستان اند و این حقایق را باید مردم و جهان بدانند. هرگونه افراط و تفریط و ایجاد فتنه و تفرقه درین میان به نفع مردم ما نیست، عادلانه نیست و در مطابقت به برنامه های ای اس ای پاکستان و دیگر دشمنان ماست.

دهلیز تجارتي به بحر را پاکستان در زمان گذشته نیز مطرح کرده بود و زمانیکه آنرا رسماً از جانب افغانستان دریافت کرد باز این مطالبه جانب افغانی را استخبارات نظامی پاکستان در بین مردم آنطرف خط مطرح کرد که این است برادری برادران افغانی تان که برسر تان قیمت گرفتن دهلیز تجارتي به بحرمانده اند و اصلاً به سرنوشت شما و آزادی شما برای شان مطرح نیست.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

ریفراندم بخاطر درست نیست که موضوع بحث ما نیست. ما در مورد اینکه کی با کی خواهان زندگی کردن مشترک است و یا نیست برای فعلاً بحث نداریم. آن بحث بعدی است و اینکه ولایت لغمان با ولایت کابل و یا کابل با بدخشان یکجا زندگی کردن میخواد و یا نه و یا نوع نظام چه باشد و چه نوع، بحث است جداگانه و مستقل. بحث امروزی آن هم اگر پاکستان تحمیل کردن میخواد این است که آیا خط و تفاهمنامه به نام «دیورندلین» از لحاظ حقوقی مشروع است و وجود حقوقی نافذ بودن دارد و یا خیر؟ تمام شواهد و اسناد قانونی وجود که نه. لذا پاکستان نمی گذارد در افغانستان حاکمیت قوی مستقل به خود به وجود آید. پاکستان تلاش نموده و خواهد کرد که در حاکمیت افغانستان باید افراد باشند که منافع پاکستان را تأمین و از همچو مطالبات برحق بگذرند و یا حاکمیت ضعیف باشد که بی خبر از ابعاد کارش به هر خیانت و جور آمد با پاکستان آماده باشد. به یقین تسوید تفاهمنامه امنیتی اخیر بین مراجع امنیتی افغانی و پاکستان که در مطبوعات پاکستان به عنوان (واه واه ای اس ای نی کمال کردیا - واه واه ای اس ای کمال کرد) استقبال شد از همین قماش فریب و نیرنگ پاکستان است. ملت آنرا نه پذیرفته و نمی پذیرد و زور ملت را حاکمیت های مذکور ندارد. پا فشاری حاکمیت برین تخلفات که شکر خدا آنرا عملاً ملغی اعلان کردند آن اقدام درست است که به زمامداران امور اکیداً سفارش دارم. سرنوشت شاه شجاع و همراهان را همه میدانند.

مسلم که همین حالا در پارلمان افغانستان و بخش از پُست های دولتی افغانستان نوکران، اجنتان، اتباع و گماشتگان خویش را دارد. که از مواضع سیاسی پاکستان و اهداف پاکستان دفاع نموده و در خدمت شان میباشند. این افراد به طروق مختلف عملاً برای نهایی شدن خط «دیورندلین» کار میکنند مطابق به امکانات وسیع پاکستان آنها مطالبات خویش را به صورت وسیع مطابق به توان خویش وسعت داده و میدهند. پاکستان تلاش دارد که افغانستان باید باعجه عقبی پاکستان و مطابق مطالبات شان جز پاکستان گردد.

شناخت این افراد با نام و ادرس شان کدام کاری مشکل نیست و تقریباً همه ملت مواضع شان را میدانند. چنین است وضع و چنین حالت و مواضع که باید دو مراتب و صد مراتب هوشیار بود و هوشیارانه و متحد عمل کرد و تا دیر نه شده بیدار شد.

لابی های پاکستان درین مورد در سطح جهانی آن قدر قوی اند که بخش از ابر قدرت ها را هم پاکستان فریب و یا قناعت داده است. تلاش ایجاد پوسته های امنیتی سه جانبه بین افغانستان و پاکستان، تلاش برای ایجاد کمیته سرحدی پاکستان افغانستان (ایجاد باردر منجمنت کمیته) - که جناب حامد کرزی آنرا در عمل صریحاً رد کرد، تلاش برای محدود کردن نیرو های امنیتی افغانستان و طرح های اینکه بعد از بازگشت نیرو های ۴۸ کشور جهان به اساس فیصله ملل متحد باید نیرو های نظامی کشور های اسلامی به افغانستان وارد شوند و نیرو های نظامی افغانی به اندازه لازم ایجاد نه شوند و بلاخره برنامه عدم وجود نیرو های هوایی افغانی در مطابق به خواست و پا فشاری پاکستان است.

درین مورد معامله کردن و آنرا مطابق خواست پاکستان اعلام کردن خیانت تاریخی ملی غیر قابل بخشش است و عاملان آن به سرنوشت شاه شجاع و دیگر نوکران دشمن برابر خواهند شد.

بلی این همان خط سرخ است که عبور از آن نه از صلاحیت این حاکمیت است و نه در توان آن و چنین خیانت ملی را این حاکمیت نیز نه خواهد کرد و نباید بکند.

در قرن بیست و یکم حدود و سرحدات درین کشور های در حال برداشتن است و چنانچه مکرر توضیح کردیم امنیت منطقه و کشور به این خط و ایجاد گویا قبر ملانصرالدین که هیچگاه قابل کنترل نه خواهد بود اصلاً ربطی ندارد. این پاکستان است که اگر برای صلح در منطقه و افغانستان توافق کرده نمی تواند. اسناد غیر قابل انکار وجود دارد که پاکستان به ترور و تربیت و صدور تروریزم کماکان میخواد به اهداف شوم و غیر انسانی خویش برسد. سیاستی که به صورت یقینی قربانی ان مردم بیگناه پاکستان امروز نیز خواهند بود و هستند.

بر حکومت افغانستان است که بلا تأخیر بدیل های رهایی یکجانبه از وابستگی افغانستان به پاکستان در مقام اول با بازکردن بندر چاه بهار بدون وابسته شدن یکجانبه به آنها به صورت متمرکز کار کند.

در مورد استفاده از آبهای طبیعی افغانستان و دریا های که در بین کشور های مختلف عبور میکنند، قواعد و قوانین بین المللی وجود دارد که مشکل آبهای افغانستان به کشور های همسایه مطابق به آن قواعد بین المللی و ناظرین جهانی حل شود و حل شدنی است اما نمی شود که تمام آبهای طبیعی افغانستان را همسایه ها یکسره میخورند و به جانب افغانی حق استفاده آنرا نمی دهند.

در قسمت مطالبات راه ترانزیتی پاکستان، عبور و مرور وسایط آن کشور در خاک و از خاک افغانستان با روابط بالمثل ممکن است و باید درین مورد تفاهات موافق قواعد و قوانین جهانی و مساوی صورت گیرد.

افغانستان کشور مستقل است و به پاکستان و جهان باید تفهیم شود که ما و سرزمین ما به ضد کشور دیگر استفاده نمی شود و نه خواهد شد و در صورتیکه چنین شود حاضریم در محاکم جهانی جوابگوی آن باشیم. ما حق داریم با جهان روابط داشته باشیم و این انتخاب حق ماست.

به پاکستان باید تفهیم شود و به جهان باید رسانیده شود که پاکستان از ما چه مطالبات ناروا دارد. مسلم این است که پاکستان در خرابی افغانستان و جنگ سهم داشته و دارد. اقرار زعمای این کشور و مستندات دیگری است که نیرو های کشفی کشور ما باید در مستند سازی آن کار کنند.

به حاکمیت پاکستان به صورت دوما در باید تفهیم شود که قرار شواهد پاکستان بر وضع مسلط نیست. جهان باید از جزیه پرداختن به پاکستان به علت این حالت هم دست بردار شود که آن کشور این پولها را رد غیر از هدف اصلی به مصرف میرساند.

پاکستان نباید با سیاست صدور ترور مردم خود، جهان و قبل از همه افغانستان را به تهدید مواجه ساختن و خطر صلح جهانی شود. ما در مورد تسلط بر طالبان و مخالفین مسلح افغانی تسلط ندارد و نباید ازین وضع سوء استفاده نموده و دست از فشار و خراب کاری بردارد ورنه به روش بالمثل یک مسأله به مفاد کسی نه خواهد بود. کشور های منطقه افغانستان و پاکستان یکجا با هند و کشور های آسیای میانه میتوانند در صلح زندگی کنند و سیمای منطقه را تغیر مثبت دهند که منجر به رفاه و آسایش مردم منطقه گردد.

برحکومت افغانستان از برخورد های بالمثل از امکانات بالقوه که ما دارم استفاده نموده تا پاکستان را از مطالبات ناحق و زور منشانه و نا روا توقف داده و مطالبات برحق مردم افغانستان تحقق یابد. (تفصیل وسیع دارد.) مخفی ساختن دوساله مرگ و یا قتل ملا صاحب محمد عمر از جانب افغانی عدم صداقت جانب پاکستان را نشان و ثابت میسازد.

در مورد تلاش پاکستان مبنی بر سهم دادن برای پاکستان در انتخاب کادر های در کرسی های دولتی یک خواست نا جایز و غیر قابل قبول است.

امتیاز گیری برای طالب و یا هر حزب و سازمان دیگر حق کسی نیست مرجع اصلی انتخاب مردم است. مصالحه توافق برای حاکمیت مردم است که مردم سخن اصلی انتخاب و انتصاب را داشته باشد. معامله در غیاب ملت و امتیاز گیری به این نام به صورت قطع قابل قبول نیست و باید رد شود.

به این ترتیب حالا دیگر به کسی پوشیده نیست که اگر در این **بازی** (چنانچه جنرال دورانی رئیس اسبق ای اس ای در مصاحبه به تلویزیون الجزیره آنرا نام میدهد) و این قربانی مردم و کشور ما در مراحل معینی از جمله بخاطر سقوط کمونیزم و ضربه زدن به دشمن منطقوی ابر قدرت های جهانی از جمله حاکمیت ایران توجیه داشت و مردم بی گناه منطقه و در رأس مردم ما درین مورد قربانی های بزرگ دادند، کشور و مردم ما را سوختاندن و جنرالان پاکستان درین مورد جیب پُر کردند و حضور نظامی در منطقه توجیه شد. درین مرحله که این اهداف تحقق یافت و یا در حال تحقق اند درین صورت ادامه عین سیاست توسط ای اس ای پاکستان دیگر به هیچ صورت همین توجیهی را هم که داشت دیگر ندارد. به این ترتیب ادامه شرارت و صدور ترور و وحشت از جانب پاکستان به جز ادامه قربانی و تراژیدی ملت و سوختاندن کشور ما معنی دیگر ندارد. با تعجب فهم سخن و نقل قول را حال میدانم که یکی از صاحبمنصبان ارتش نظامی باز گشته از افغانستان یکنیم سال قبل در اروپا اظهار داشت که دیگر ملا عمر و طالبی وجود ندارد. تعجب کردم چه میگوید. حال درک کردم که منظورش همان کشته شدن و یا مردن ملا محمد عمر اخوند بود.

این حالت ثابت میکند که پاکستان به به سبب ضرب المثل مشهور: «گرچه ای پیر را ترک و بازی جدید نمی توان آموخت» کماکان همین صدور ترور و وحشت را بلد است و برنامه های خویش را کماکان دنبال میکند. و اما اگر جنگ سرد از نو آغاز شده و حلقه های معین جهانی هنوز با رژیم اخوندی ایران تصفیة حساب نه کرده اند و برنامه از بین بردن سلاح اتمی پاکستان و تقسیم مجدد منطقه هنوز تکمیل نه شده و در این بازی دیگران پاکستان باز هم مجری پروژه قبلی صدور ترور و دهشت است. درین صورت بر زعامت کشور ماست تا دیگر نگذارد کشور ما بسوزد و مردم ما قربانی دهند.

باید الفبای سیاست را آموخت و درک کرد که در سیاست منافع است و مصالح، در سیاست خیر و خیراتی نیستند. دوست و دشمن دایمی وجود ندارد. این دوستی و این دشمنی به اساس منافع تعیین میشود. باید درک کرد صلح گدایی نمی شود.

بر حاکمیت ماست که از تمام امکانات وسیع دست داشته استفاده درست کرد و دیگر نگذارند که افغانستان را بخاطر دفاع از تمامیت و موجودیت پاکستان بکار برده و افغانستان گاو شیری برای پاکستان شود و به این ترتیب پاکستان کماکان از ملت ما و جهان جزیه بگیرد.

زعمای ما باید درک کنند که حق داده نمی شود بلکه گرفته میشود و صلح و آسایش حق ملت ماست.

باید با شناخت حق خود و حق دیگران با استفاده از وسایل و بکار گیری درست آن خود را به صلح و آسایش رسانیده و اولویت های خویش را مشخص و پیگیرانه در عملی کردن آن تمام نیرو های ملی و متحدین طبیعی داخلی، منطقوی و جهانی را به وحدت عمل کشاند.

عدم مراعات اصول و قواعد قبول شده و تجربه شده و تجربه کردن دشمن تجربه شده و دل بستن به آن چنانچه از حرکات بخش از زعمای کشور مشهود است ما را به جای نمی رساند و کماکان فرصت های طلایی غیر قابل تکرار عصر به هدر داده میشود.

بر حکومت وحدت ملی است تا عوض چنه زنی ها و مشاجرات بر تقسیم غنایم در بین حاکمیت و تیم های حاکم عامل ادامه موفقانه برنامه های شرارت پاکستان نشده و به تراژیدی ملت ادامه نه دهند.

با چنین روش بی خردانه در مواردی ممکن به اهداف قصیر المدت شان نایل آید اما ما را به صلح پایدار نه خواهد رسانید.

لذا با درک عمق و بُعد حقایق فوق و درک ماهیت افغان ضد و افغانستان ضد پاکستان و ادامه شرارت آن باید خود، موقف خود و حقایق را به صورت عینی درک کرد و با یک قوت و وحدت عمل در مسایل ملی و مشترک مشترکاً کار کرد.

دوست و دشمن را شناخت و نه گذاشت مردم ما دیگر قربانی سیاست های دشمنان در رأس پاکستان و شرارت شان شده، مردم و کشور بیشتر ازین بسوزد.

پایان

د پانو شمیره: له ۶ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ